دعوتگر جن ها نزد من آمد؛ پس همراه او رفتم و برای آنها قرآن تلاوت کردم.

از عامر روایت است که می گوید: از علقمه پرسیدم: آیا ابن مسعود در شب معروف به شب جن همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم حضور داشت؟ علقمه گفت: من از ابن مسعود پرسیدم که: آیا در شب معروف به شب جن، کسی از شما همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم بود؟ گفت: خیر؛ ولی شبی همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم بودیم که ناگهان او را گم کردیم. ما در دره ها و راه های کوهستانی به جستجوی ایشان پرداختیم و با خود گفتیم: ربوده یا ترور شده است. به هر حال، بدترین شبی را که یک گروه پشت سر می گذارد، ما پشت سر گذاشتیم. هنگام صبح، رسول الله صلی الله علیه وسلم از جانب کوه حراء آمد. ما گفتیم: یا رسول الله، شما را گم کردیم و در جستجوی شما بر آمدیم اما شما را نیافتیم. و این گونه بدترین شبی را که عده ای سپری می کند، سپری نمودیم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَتَانِي دَاعِي الْجِنِّ فَذَهَبْتُ مَعَهُ فَقَرَأْتُ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنَ»: «دعوتگر جن ها نزد من آمد؛ پس همراه او رفتم و برای آنها قرآن تلاوت کردم». راوی می گوید: آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را برد و آثارشان و آثار آتش آنها را به ما نشان داد. همچنین جن ها از رسول الله صلی الله علیه وسلم درخواست غذا کردند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «لَكُمْ كُلُّ عَظْمٍ ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقَعُ فِي أَيْدِيكُمْ أَوْفَرَ مَا يَكُونُ لَحْمًا وَكُلُّ بَعْرَةٍ عَلَفٌ لِدَوَابِّكُمْ»: «هر استخوانی که نام الله بر آن برده شود و بدست شما بیفتد، بطور کامل گوشت خواهد داشت. و سرگین حیوانات غذای چارپایان شما خواهد بود». راوی می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «فَلَا تَسْتَنْجُوا بِهِمَا فَإِنَّهُمَا طَعَامُ إِخْوَانِكُمْ»: «پس با استخوان و سرگین حیوانات استنجا نزنید؛ چرا که آنها غذای برادران شما هستند».

[صحیح است] [به روایت مسلم]

عامر شعبی از علقمه رحمهما الله - که هر دو از تابعین بزرگوار هستند - می پرسد: آیا در شبی که رسول الله صلی الله علیه وسلم همراه جن ها بود، عبدالله بن مسعود حاضر بود؟ علقمه به او خبر می دهد که در این خصوص از عبدالله بن مسعود سؤال کرده است و عبدالله به ایشان خبر داده که هیچیک از آنها (یعنی صحابه) در آن شب همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم نبوده است. اما آنها شبی همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم بودند که ایشان را گم می کنند و در دره ها و راه های کوهستانی به جستجوی ایشان می پردازند و می ترسند که مبادا رسول الله صلی الله علیه وسلم پنهانی کشته شده باشد یا جن ها او را ربوده باشند. پس در نهایت نگرانی و ناراحتی آن شب را سپری می نمایند. صبحگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم را می بینند که از جانب کوه حراء می آید. پس به ایشان می گویند: او را گم کرده و هر چه گشتند ایشان را نیافتند و شب را در نهایت نگرانی سپری نمودند. آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم به آنها خبر می دهد که دعوتگر جن ها نزد ایشان آمده و ایشان همراه او رفته و برای آنها قرآن تلاوت کرده است. آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم صحابه را با خود همراه می کند و آثار جن ها و آثار آتش آنها را به ایشان نشان می دهد. و به اصحاب خبر می دهد که جن ها از او غذا خواستند و رسول الله صلی الله علیه وسلم به جن ها خبر داده: هر استخوانی که نام الله متعال بر آن برده شود و بدست شان بیفتد، آن را پر از گوشت می یابند. و سرگین حیوانات، غذای چارپایان شان خواهد بود. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم امتش را از استنجا نمودن با استخوان و سرگین حیوانات نهی می کند، چرا که آنها غذای برادران جنی آنهاست.